



سایه‌ی هیولا

عباس جهانگیریان



گروه سنی «ه»

بلندی‌های مه‌گرفته‌ی بی‌بی‌صنم، دره قواخ و جلگه‌ی پهناور آلمه.
این جا هر سپیده‌دم جز صدای بخشی‌امان صدای دیگری طنین نمی‌اندازد.
گرگ و میش صبح، دوتارش را برمی‌دارد، به خانه‌ی درختی‌اش کنار قرارگاه
محیط‌بانی آلمه می‌رود و در گوش باد می‌خواند:

آی لاله آی لاله آی لاله
ای گوژوم سنی‌ای، سوژله‌یار
ای قلبیم سنی‌ای، سوژله‌یار
ای قلبیم سنی‌ای، ایسته یار
دیوانه دیر دیوانه
هو هو هو هو هوهاهاهاها هو هو هو آی آخ هی هی هی^۲
صدایش، اگر باد بوزد، با باد می‌آید. اگر باد نیاید، ارواح بخشی‌های ترکمن،

۱. نوازنده و خواننده‌ی ترکمن
۲. آی لاله آی لاله آی لاله / چشمانم مشتاق دیدار توست / زبانم از تو سخن می‌گوید / و قلبم تو را
ص، خواهد / دیوانه‌ام دیوانه